

نخستین روزنامه صبح البرز  
شماره ۱۸۸۵  
شماره ۱۴۰۰ / مرداد / ۱۴۰۰  
۱۶ / دیماه / ۱۳۴۲  
27 / July / 2021

info@payamdaily.ir

ساجد امین زوی موسسه هکلمان اندیشه‌های زمان  
مدیرمسئول: محمود حبیبی / سردبیر: باقر حبیبی  
ناشر: کریم باقری / مدیر: فریاد کاشانی / مدیر: سید علی حسینی  
تلفن: ۰۲۶-۲۲۵۳۳۳۳۳ / ۲۲۵۳۳۳۳۳ / ۲۲۵۳۳۳۳۳ / ۲۲۵۳۳۳۳۳  
فکس: ۰۲۶-۲۲۵۳۳۳۳۳  
آدرس: تهران، پلاک ۱۱، خیابان پارس، پلاک ۱۱  
امتیاز بر طرح روزانه: کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴۶ چاپخانه کارگر

**کافه پیام**

**برای انعکاس نظرات و کلامها و پیشنهادات خود در باره مسائل البرز با پیام آشنا**

۲۲۵۳۳۳۳۳  
۲۲۵۴۱۴۹۵  
۰۹۱۴۰۴۳۳۳۳

**تماس بگیرید**

**یاشعاری کرج**

**شوق وصلت**

بگذارم هر شب تا سحر، از شوق وصلت با من  
امشب بیای از تو، بگشا گره از کار من

اینک که در هجران تو افتادم بر خاک کم  
یکدم به باغیم بیا ای مونس و معقول من

با یاد همی ای جان بیرون پریم از یات غبار  
خاکت در مغموم خود بر دیده ام تامل من

بی روی تو محزونم و چشمم به زلف بی قرار  
بلا که هم بیرون شود از سینه ای تامل من

بمد آمد هر شب خواب من بی تو چگونه کم  
بنشین به لطیفی در برهای مهنم و نامل من

در خانه ای احساسی من، بیچند شمیم عشق تو  
اندیشه ای دیدار تو، زینبارین نامل من

از بند حسرت دلوردا، با یونکت گرم «راه»  
گلزاره ای شرم نویی، ای رقص افکار من

**بهروز قاسمی (رها)**

**داستانک**

**قصه آدم ها**

شیشه رو کشیدم پایین به ذره هوا  
بخورم هرچی پایین تر میومدم جریلا  
بلندتر میشدم.

چشمم خورده به پدید دختر جون تر که ای  
با سبک کلویی قرمز.

**محمدرضا شاهره**  
مدستون کن دادا

**داستانک**

**قصه آدم ها**

خوبست صافیه  
راندته گفت فکرم میبرمت ولی تو تا مسافر دارم سر جمارانه  
پایه من شمشا بیرون جوارحت باش

دختره خفته آه من توقف دارم لنگلی نداری؟  
راندته برگشت سمت ما گفت: «ایقون نگاه جوله درلود؟»  
من گفتم نه خیلی، پیرمردم به به سری تگن داد که یعنی  
عیبی نداری

دختره نشست جلو، من داشتم از عقب بهش نگاه میکردم.  
په ذره که رفتیم جواز به راندته گفت آئی ای رحمت درلودخه  
دیدین چند لحظه نگه کردید، بعد هندز فرشو گلاشت تو  
گوشی، صدای اینقدر بلند بود که داشتم میخندم چی  
گوش میخند

راندته از تو آینه نگاه کرد به ما و با لبخند گفت این روزا  
همه جایش میند مرم توهم به دختره بیشتر جلب شد، بهو  
گوشی زنگ خورد.

— سلام چی؟  
راندته از تو آینه به ما نگاه کرد خندید که یعنی آره —  
آره— ما فلان جان مردم بلای خونه داروتم اولین درلودخه ای  
که ببینیم میبستیم سبک برات. بلشه حال.

پیرمردم به نگاه ماقل آندر سفینه به راندته کرد و زد رو  
شوشن و گفت آنا جمارانه روورد کردی من پیاده می شم  
راندته نگه داشت شیشه رو باز کشیدم پایین تر، په نفس  
عمیق کشیدم به برج میلاد گفتم کردیم، آند هم ای زیش که  
پرقصه بودن، در رفت و آمد

**کتاب تماشایی**

**سیستان: خوزستان جانم من از بی آبی و فقر مردم وارونه شدم. تو چه طور این همه سال تحمل کردی؟**

**خوزستان: پس من چی بگم سیستان جانم؟ نه آبی نه هوای، اونم بعد از هشت سال جنگیدن برای این سرزمین. راستش دیکه تا نادر ام.**

**علیرضا آذر - ۷ ساله**

**امروز با حافظ**

**در میخانه بسته اندد گر**

**افتح یامفستح الاسباب**

**لب و دندانت را حقوق نمک**

**هست بر جان و سینه های کباب**

**چهارمین نشست**

**به تخت وجود...**

**حسین منزوی**

**اوقات شرعی فردا**

ان صبح ۰۴:۲۱  
ان اذان ۰۶:۰۵  
ان اذان ۱۳:۱۴  
ان غروب ۲۰:۲۱  
ان اذان ۲۰:۴۱

**برگه**

**اگر زمانی طولانی به اعماق نگاه کنی آنگاه اعماق هم به درون تو نظر می آندازند.**

**نیچه**

**داستانک**

**قصه الاغ**

یادش به خیر دورهمی های جمعه شب خونه ملار بزرگ و صدا البته  
قصه های پند آموزش.

یاد اون شب ها به خیر که برای مؤمنان خونه عزیز جون خودمو می  
زدم به خواب که از بدن من صرف نظر کنن، یا زمانی که دیگه خفه  
خواب به کار نمی آمد و به زیر بیدار می کردن با هزار التماس و قفل،  
به اینکه اگه بمونم فردا کمک حال عزیز جون می شم.

شبو رو پیشش توی اون می خوابیدم، تا از سرفه های جیرجیر که  
غرق در شرف بشوم، و نسیم ملایم بر خولست از تاکت به حیاط در سو  
سورتم روح رو بزم را نوازش می داد، یادش به خیر.

می فونید چطور امروز به یک باره یاد عزیز جون افتادم، تو تلویزیون به  
ایک ایتم و یاد قصه الاغ عزیز جون افتادم.

الاغ که در هومن شب ها که با هزار جاز و کلک پیشش خوابیده بودم  
گفت به زمانی رفتن از روستای ما به شهر خیلی سخت بود، در  
واقع مثل الان، جاده آسفالت نبود که با ماشین در عرض نیم ساعت  
پرسیم به شهر.

یادش به خیر که کمر و ستلاخ رد می شدیم و پای پیاده یا سوار بر  
خری، قاطری خودمون می سوار می شدیم به شهر.

الاغ که در هومن شب ها که با هزار جاز و کلک پیشش خوابیده بودم  
گفت به زمانی رفتن از روستای ما به شهر خیلی سخت بود، در  
واقع مثل الان، جاده آسفالت نبود که با ماشین در عرض نیم ساعت  
پرسیم به شهر.

یادش به خیر که کمر و ستلاخ رد می شدیم و پای پیاده یا سوار بر  
خری، قاطری خودمون می سوار می شدیم به شهر.

الاغ که در هومن شب ها که با هزار جاز و کلک پیشش خوابیده بودم  
گفت به زمانی رفتن از روستای ما به شهر خیلی سخت بود، در  
واقع مثل الان، جاده آسفالت نبود که با ماشین در عرض نیم ساعت  
پرسیم به شهر.

**یادداشت**

**از طیب و گذر لوطی ها تاهلیا و لات های دهه هشتادی!**

دختران پائی بنیتم که در دلم خوقلده های  
اصل پرورش یافته بود در عرصه های مختلف  
ایوان مولد مخدر، محرک و البته قهقهه پاندره اند.  
برای آنکه به سیاه نمایی منتهم نشوم از واژه  
«سیاسم» برای تعاد خوقلده های استفاده  
می کنم که فرزندان خود را به سمت طبیعت  
سپردند و همین بس، سیاسم که هم برای ایران  
اسلامی «سیاسم» زیارت است!

امید به بدتر خبری سمدیران و معنیان لایق  
فرهنگی نیست، باید خودمان جزوای بنیادینیم  
و قدم به قدم فرزندانمان را در این دنیا بی  
و پیکر همراهی کنیم، نباید که قهرا از لات  
ها و اقین راز با بنگی ها گرفته و به دلنشین ما  
دهد است.

**یادداشت**

**کارزاری برای بازگشت زبان فارسی به کیندل**

پیدا کرد یک جستجوی ساده فر کیندل نشان  
می دهد که در کجای خری از کتاب فارسی زبان در  
این پلتفرم نیست همین موجب شده است که  
کاربران این پلتفرم به این اتفاق واکنش نشان دهند  
این موضوع لایب سبب شده است تا علاقه مندان به  
زبان و ادبیات فارسی کارزاری برای بازگشت این  
زبان به پلتفرم کیندل به راه بیندازند.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از ایسلد در متن  
بیاینه این کارزار آمده از زمانی که در اواخر  
تابستان گذشته سرویس اشتراکی شرکت  
کریستیس با کیندل ادغام شده، سرویس  
جدید از ارائه خدمات به زبان فارسی قطع شد  
و این حال نباید از یاد برد که تنها همه  
فارسی زبانان ساکن ایران نیستند، بلکه امروزه  
رهایمی برای دور زدن این محدودیتها برای  
ایرانیان میسر شده است که از جمله آنها می توان  
گویم به استفاده از رمزرها اشاره کرد. دشمن کیندل  
تنها پلتفرمی نبوده که تا یک سال قبل زبان  
فارسی به دست محصولات خود داشته، در  
یک سایت روسی تولید کتاب و اشاره کرد

**میدتت کاتکوند**

**نسخه نویافته یکی از کهن ترین شاهنامه ها در کتابخانه ملی است**

ابوالفضل خطیبی شاهنامه پژوه به تشریح  
نسخه نویافته یکی از کهن ترین شاهنامه ها که  
در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری  
می شود، پرداخت و گفت کهن ترین نسخه  
تاریخ راوی ملی ناقص شاهنامه مورخ ۶۱۴ ق  
در کتابخانه فوق العاده کهن ترین نسخه  
کامل، آن مورخ ۶۷۵ ق در موزه بریتانیا در لندن  
نگهداری می شود. نویسنده این نسخه های ایران  
چندان قدیمی و معتبر نیستند و به تصحیح  
شاهنامه چندان کمکی نکردند.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از روابط عمومی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، این عضو  
هیات علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
اشاره داد: بنا بر فهرستی از نسخه های شاهنامه  
که برحسب فهرست فراهم آورده است، کهن ترین  
نسخه تاریخ راوی در کتابخانه های ایران  
نسخه مورخ ۱۰۹۹ ق است که در کتابخانه  
مجلس سنا (شماره ۱۱۱۵) نگهداری می  
شود. سپس از آن نسخه معروف به شاهنامه  
موجود در ایران، نسخه مورخ ۱۸۳۳ ق است که در کتابخانه  
کاخ گلستان نگهداری می شود.

خطیبی افزود: از میان نسخه های بی تاریخ  
موجود در ایران، نسخه معروف به سلوکلو  
گمان می رود در اواخر قرن هفتم یا نهمه اول

**یادداشت**

**از طیب و گذر لوطی ها تاهلیا و لات های دهه هشتادی!**

دختران پائی بنیتم که در دلم خوقلده های  
اصل پرورش یافته بود در عرصه های مختلف  
ایوان مولد مخدر، محرک و البته قهقهه پاندره اند.  
برای آنکه به سیاه نمایی منتهم نشوم از واژه  
«سیاسم» برای تعاد خوقلده های استفاده  
می کنم که فرزندان خود را به سمت طبیعت  
سپردند و همین بس، سیاسم که هم برای ایران  
اسلامی «سیاسم» زیارت است!

امید به بدتر خبری سمدیران و معنیان لایق  
فرهنگی نیست، باید خودمان جزوای بنیادینیم  
و قدم به قدم فرزندانمان را در این دنیا بی  
و پیکر همراهی کنیم، نباید که قهرا از لات  
ها و اقین راز با بنگی ها گرفته و به دلنشین ما  
دهد است.

**یادداشت**

**کارزاری برای بازگشت زبان فارسی به کیندل**

پیدا کرد یک جستجوی ساده فر کیندل نشان  
می دهد که در کجای خری از کتاب فارسی زبان در  
این پلتفرم نیست همین موجب شده است که  
کاربران این پلتفرم به این اتفاق واکنش نشان دهند  
این موضوع لایب سبب شده است تا علاقه مندان به  
زبان و ادبیات فارسی کارزاری برای بازگشت این  
زبان به پلتفرم کیندل به راه بیندازند.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از ایسلد در متن  
بیاینه این کارزار آمده از زمانی که در اواخر  
تابستان گذشته سرویس اشتراکی شرکت  
کریستیس با کیندل ادغام شده، سرویس  
جدید از ارائه خدمات به زبان فارسی قطع شد  
و این حال نباید از یاد برد که تنها همه  
فارسی زبانان ساکن ایران نیستند، بلکه امروزه  
رهایمی برای دور زدن این محدودیتها برای  
ایرانیان میسر شده است که از جمله آنها می توان  
گویم به استفاده از رمزرها اشاره کرد. دشمن کیندل  
تنها پلتفرمی نبوده که تا یک سال قبل زبان  
فارسی به دست محصولات خود داشته، در  
یک سایت روسی تولید کتاب و اشاره کرد

**یادداشت**

**فرباز تخفیف های آنچجانی ناشر نماها را انخوریم**

افراد در قالب فعالیت های کارگروه سبکت در تلاش  
بود که چند مرتبه هم موفق به کشف بارهای قاچاق  
کتاب شدند. البته نمی نامم با کتابهای کشف شده  
بازار نماها و چاپخانه های همکار آنها چه کردند.  
این کار شایع کرنا گویا واقعه ای در این پیکره های  
ایجاد کرده است. این افراد که کتابهای کتب امراهی  
شده را تنها با صرف هزینه کاغذ و چاپ رونق بازار  
می کنند تخفیف های نامتعارف و غیره برادران می دهند.  
تعداد زیادی از کتابهای قاچاقی از طریق سایتها  
و پلتفرمهای فروش کالا به راحتی عرضه می شوند.  
این هم با تخفیف های کمی می توانند سبکی اعتباری  
مخاطبان به نشان و کتابخوان قوتی شوند.  
این اوضاع و احوال ضروری است که اتحادیه نشان و  
کتابخوانان در همکاری با معاونت فرهنگی و همچنین  
مرجع قضایی به شکل جدی دستگیر کرده و برای  
مقابله با این دزدان فرهنگی کاری کنند. با جرمه های  
بزرگ و عده های من و چون جلوی اینها را بندازیم و  
جریمه های سنگین و ضروری قانونی جدی  
تعیین شود، حتی باید شرایطی در نظر گرفته شود

**میدتت کاتکوند**